

محمد بن حُسام (ابن حسام)

گوینده یی از سده ی نهم

«دوره آموز در سروده های این گوینده»

بررسی و پژوهش

از

تقی سالک «پریا»

انتشارات کجاوه سخن سوره مهر



محمد بن حسام گوینده‌ای از سده نهم

نویسنده: محمدتقی سالک (پویا)

ناشر: چاپخانه و لیتوگرافی «ولادیمیر دژاندیش»

تألیف: ۱۳۹۰

شماره: ۱۲۵۰

صفحه: ۹۷۶۷۱-۶۰-۹۷۸

رشته: ادبیات، تاریخ، ۱۳۲۰ -

عنوان: محمد بن حسام (ابن حسام) گوینده‌ای از سده نهم (کتاب):

گذری در سده‌های گذشته / سنده: محمدتقی سالک (پویا).

واحد آموزش و پژوهش حوزه علمی استان خراسان جنوبی

مشخصات نشر: تهران - سوره سخن سوره مهر، ۱۳۹۸.

مشخصات ظاهری: ۲۷۲ ص

ISBN: 978-600-97671-0-9

وضعیت فهرست‌نویسی: فیا

موضوع: ابن حسام، محمد بن حسام‌الدین، ۴۷۸-۵۸۱، نقد و تفسیر

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۹ ق. -- تاریخ و نقد

موضوع: Persian poetry -- 9th century -- History and criticism

شناسه افزوده: واحد آموزش و پژوهش حوزه هنری استان خراسان جنوبی

رده‌بندی کتابخانه: PIR۵۶۵۹

رده‌بندی دیویی: ۳۳/۸۱۱

شماره کتاب‌شناسی ملی: ۴۸۱۹۶۶۲

نشانی: تهران، خیابان حافظ، خیابان رشت، پلاک ۲۳

مستند و ق: بی‌سببی: ۱۵۸۱۵-۱۱۴۴

تلفن: ۶۱۹۴۲ سامانه پیامک: ۳۰۰۵۳۱۹

تلفن مرکز پخش (پنجم خط): ۶۶۴۶۰۹۹۳ فکس: ۶۶۴۴۹۹۵

www.sooramehr.ir

نقل و چاپ نوشته‌ها منسوخ به اجازه رسمی از ناشر است.

فهرست مطالب

پیش گفتار	۹
پیش سخن	۱۱
نموده‌هایی از زندگی نامه محمد بن حُسام در نوشته های دیگران	۱۳
کوتاه شد نوشته حُسامی و دیگر نویسندگان	۱۳
بخش نخست: ابن حُسام چه گونه زیست؟	۲۹
دیدگاه ابن حُسام ر ستودگی سروده هایش	۶۲
کوچ ها و جابه جایی ی اندک ابن حُسام	۷۵
بخش دوم: سبک شعر و روش گفتار محمد بن حُسام و بررسی آثار فراز پایه ی	
وی	۸۱
نگرشی به دست نوشته دیوان محمد بن حُسام	۸۸
بخش سوم: ابن حُسام، گوینده یی در این سبزه سرایی	۹۹
بخش چهارم: ابن حُسام و حماسه سرایی	۱۱۶
ابن حُسام و فردوسی	۱۱۶
بخش پنجم: ابن حُسام و گویندگان پیشین	۱۳۲
ابن حُسام و خواجه	۱۳۳
ابن حُسام و ظهیر فاریابی	۱۴۲
ابن حُسام و خاقانی	۱۴۶
ابن حُسام و سنایی	۱۴۹
ابن حُسام و کمال الدین	۱۵۱
ابن حُسام و غضائری	۱۵۲
ابن حُسام و ناصر خسرو	۱۵۳
ابن حُسام و انوری	۱۵۵
ابن حُسام و نظام گنجوی	۱۵۷

۱۶۰	ابن حُسام و حافظ
۱۶۲	ابن حُسام و سعدی
۱۶۶	ابن حُسام و حسن کاشی
۱۶۶	نخست ابیاتی از فخریه ی حسن کاشی
۱۶۹	ابن حُسام و کاتبی ترشیزی
۱۶۹	ابن حُسام و حسن سلیمی
۱۷۰	ابن حُسام و سلمان ساوجی
۱۷۳	بخش ششم: ابن حُسام و امرای گورکانی
۱۷۸	مدایح و مرثیاتی شاهان و امرای گورکانی
۲۰۶	بخش هفتم: تالیفات و گویندگی ابن حُسام
۲۲۲	نمود آشکار و پنهان بدیعی در سروده های ابن حُسام
۲۲۹	اختصاصات گفتاری ابن حُسام
۲۲۹	۱- بی راهه های دستوری
۲۳۱	۲- واژه های بومی در دیوان و خاتمه
۲۳۲	۳- واژه و واژه بست های بومی از ساوران نام
۲۳۷	بخش هشتم: نظری به قطعات پندآمیز ابن حُسام
۲۴۹	پایان سخن
۲۵۷	نام کسان و جاها

به نام ایزد پاک:

پیش گفتار:

سپاس و ستایش، به درگاه خدای بزرگ و بی‌همتا و درود بی‌شمار نثار روح پیامبر راستین و پیشوایان فراز پایه‌ی آیین پاک اسلام و با استمداد از الطاف بی‌حد خداوند و استظهار از ذات الهی بی‌مانند او که لطف شامل‌اش، راه نمای ما و محبت دایم او مشکل‌گشایی، سنگی هاست، این کمترین می‌خواهد نوشته‌ی فراهم آورد در شناساندن سخنوری فراز پایه که سوگ‌مندانه، با گذشت سده‌ی چند از زمانش خطوط روشن چهره‌اش، در هم شده و غبار دل‌گیر زمان، بر آن نشسته است.

و من بی‌مایه، با بضاعت مُنات ادبی و فقر علمیی که بیش‌تر مردم روزگار را، کم و بیش فراگرفته است، می‌خواهم: پس از گذشت بیش از پنج سده از درگذشتِ محمدبنِ حسام خوسفی، او را در مسیر زندگی، بی‌روفرار دهم و نوشته‌ی کارشناسانه فراهم آورم که در آغاز آن، چه‌گونه‌ی زندگانی این شاعر بزرگ را به‌گونه‌ی فراگیر بازنویس نمایم، سپس سیری کلی در آثار این شاعر توانا نموده، به بررسی برخی از اشعارش بپردازم که اگر چه، ظاهر آن، کاری ذوقی و نظری می‌نماید ولی با تعهد اخلاقی و بینش علمی‌یی که لازمه‌ی این گونه‌کار هاست، سعی خواهم نمود، موردی پیش نیاید، پای چوبین استدلال، بی‌تمکین باشد. اگر چه گاهی در زندگی این بزرگان عارف و شعرای فراز پایه، این گفته صدق می‌نماید که، «تو لنگی به چوب آمدی من به پای، تو را کشتی آورد و مرا خدای!» دیده‌ایم که در شناخت آن پای‌خرد را راهی نیست و دست کوتاه منطق را به دامن آنان پیوستگی نه! زیرا درک جذبات روحی آنان را بینشی، فراگیر و احساسی اشراقی می‌خواهد و در این مقوله اندکراماتی که در حق این انسان‌های والای از خود و دنیا گسسته و به حق پیوسته، برشمرده‌اند.

اشاره به این نکته، از این نظر، بایسته می‌نمود که شاید در ضمن پژوهش شعر و زندگی «ابن حسام»، به رخ دادی برخورد نمائیم که نتوانیم آن را با منطق سخت‌گیر علمی، تطبیق بدهیم. آن جاست که خواننده را به زندگی نامه‌های بزرگانی چون: «ابوسعید ابوالخیر»

در اسرار التوحید و مناقب العارفین افلاکی و تذکرۃ الاولیای عطار... ره نمونی می دهیم تا ببینید چه گفته و چه نوشته اند؟! گرچه باید گفت: خوش بختانه، شاعر بزرگ و توانای ما، با همه ی وارسنگی و نزدیکی به عرفان و تصوف، هیچ گاه، در سلک آن ها، مُنسَلک و در طریق آنان سالک نگشته و نخواستہ است با سرگرم شدن با آن افکار روحانی و جذبات ملکوتی، خویش را از مردم کوچه و بازار جدا نماید و پیر و مقتدای مریدان قرار دهد. و بار زندگی را از دوش خویش وانهاده در کُنْجی خزیده، از خلق بریده باشد.

آن ذکر و سماع و خلوت گزینی را دامی برگرفتاری عارف و ارسته می داند و حضور در جمع و کار و فعالیت و ارشاد گم راهان را بزرگترین وظیفه انسان آگاه می شمارد.

در حست علم... اعمال بارور گردان که شاخ علم، همان به که بارور یابی بشوی این سامان بار، سینه ی صافی! که عکس طلعت از آئینه، بی غبار برآید

باری در این نوشته که نشر نگارنده در شناساندن «محمدبن حسام» از جهات چندی، صورت می گیرد، و در این میر، به بررسی آثار و افکار وی نیز خواهم پرداخت و تا حدی زمان فکری شاعر و وابستگی های او را به آن، بررسی خواهم نمود، بدین امید که لطف بی حد خداوند، مددکار و روان پاک شاعر راه نمای راه باشد و پس از آن قبول خاطر ارباب ادب، گره گشای عقده های ناسخته ی سخن گوید.

به امید یاری گری خداوند بزرگ

تجلی سالک (پویا)

تیرماه ۱۳۵۶ مشهد توس